

اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی

دکتر محمدحسین پناهی*

دکتر لیلا یزدان پناه**

تاریخ دریافت: ۸۳/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۳/۲/۱۸

چکیده

به علت اهمیت زیاد مشارکت اجتماعی در جوامع امروزی، چگونگی و عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی مورد توجه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی قرار دارد. در مقاله حاضر، براساس پژوهشی پیمایشی، سعی شده است که اثر ویژگی‌های فردی و شخصیتی بر میزان مشارکت اجتماعی بررسی شود. جامعه آماری این پژوهش را شهروندان ۱۸ سال و بالاتر ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران تشکیل داده‌اند که از آن، نمونه‌ای به حجم ۸۲۷ نفر با روشهای نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده است. با استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی و کنش

* استاد دانشگاه علامه طباطبایی

** دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی

اجتماعی پارسونز در سطح خرد، در این مقاله سه فرضیه اصلی مطرح و آزمون شدند. این بررسی نشان داد که با توجه به در حال گذار بودن ایران، هنوز در جامعه آماری ما غلبه با مشارکت اجتماعی سنتی و غیررسمی است، و این که هنوز مشارکت اجتماعی رسمی در آن نهادمند نشده است. همچنین این مطالعه نشان داد که ویژگی های شخصیتی فعال‌گرایی، اعتماد اجتماعی، دلبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی، امید به آینده، سطح تحصیل، ارزش مشارکت و ارزش های فرامادی رابطه مستقیم معناداری با میزان مشارکت اجتماعی افراد دارند. در خاتمه بر اساس یافته های تحقیق، پیشنهادهایی جهت افزایش مشارکت اجتماعی در کشور ارائه گردید.*

واژه های کلیدی: مشارکت اجتماعی، مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی، ویژگی های شخصیتی، ارزش های اجتماعی

مقدمه

میزان مشارکت اجتماعی افراد یک جامعه در تحقق زندگی بهتر و جامعه ای توسعه یافته تر اثر قابل توجهی دارد. مشارکت وسیع اجتماعی، خصوصاً اگر به صورت سازمان یافته انجام پذیرد، از بی تفاوتی، تکروری و از خودبیگانگی اجتماعی و فرهنگی جلوگیری می کند، سبب کاهش نابرابری اجتماعی می شود، و نیروی همبستگی و وحدت ملی را تقویت می نماید. همچنین مشارکت از طریق بسیج نیروهای سازمان یافته مردمی، توانمندی افراد را بالا می برد و سبب رشد و توسعه پایدار جامعه و حصول شرایط مساعدتر زندگی می گردد. حتی می توان گفت دسترسی به توسعه همه جانبه و پایدار بدون مشارکت وسیع مردمی امکان پذیر نیست. گر چه مشارکت اجتماعی افراد با تشکیل گروه های اجتماعی داوطلبانه همواره ضروری

* قابل ذکر است که این پژوهش با همکاری مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی انجام شده است.

بوده است، ولی چنین نیازی در عصر حاضر، چه در صحنه ملی و چه در فضای بین‌المللی، تشدید شده است. به همین دلیل کشورهای مختلف در دهه‌های اخیر از دموکراسی مشارکتی، توسعه مشارکتی و اقدامات مشارکتی محله‌ای و همسایگی سخن به میان می‌آورند، و آن را کلید حل برخی از معضلات جامعه خود می‌دانند. مشارکت اجتماعی در جهت ایجاد و گسترش جامعه مدنی و هویت بخشی به فضای عمومی نیز مؤثر بوده و از این لحاظ نیز دارای اهمیتی قابل توجه است. بنابراین، مطالعه شرایط مساعد و عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی ضرورت اساسی دارد.

هر چند که جوهره اصلی مشارکت همکاری است، اما انواع مختلف آن برحسب ملاک‌های متعددی طبقه‌بندی می‌شود: از لحاظ موضوعی، مشارکت شامل مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، مشارکت اجتماعی و مشارکت فرهنگی است و از لحاظ چگونگی دخالت مردم در امور، مشارکت به مشارکت مستقیم (دموکراسی مشارکتی) و مشارکت غیرمستقیم (دموکراسی نمایندگی) تقسیم می‌شود. از لحاظ سطوح اجرایی، مشارکت شامل مشارکت محلی، مشارکت منطقه‌ای، مشارکت ملی و از لحاظ کیفیت دخالت مردم در امور شامل مشارکت ارادی و اجباری و مشارکت برانگیخته و خودانگیخته می‌گردد. از میان انواع مشارکت در این مقاله، هدف ما بررسی وضعیت مشارکت اجتماعی مستقیم است.

دو شکل اصلی مشارکت اجتماعی، مشارکت رسمی و مشارکت غیررسمی است. مشارکت رسمی به معنی مشارکت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و باشگاه‌های مختلف رسمی است. مشارکت غیررسمی دربرگیرنده دو نوع مشارکت اتفافی و پایدار است: اولی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم است، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومان و افراد خاص عمل می‌کنند، و دومی شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی است که نسبتاً دائمی و همیشگی‌اند (مثل خیریه‌های دائمی، گروه‌های دائمی جوانان و دوستان قدیمی، گروه‌های هنری و مذهبی). با توجه به درحال‌گذار بودن جامعه ما، این

پرسش مطرح می‌شود که در حال حاضر وضعیت و سطح هر یک از دو نوع مشارکت در ایران چگونه است؟

بدیهی است که عوامل مختلفی در کم‌وکیف مشارکت اجتماعی، به مثابه یک پدیده اجتماعی، اثر می‌گذارند. مثلاً فرهنگ مشارکتی در مشارکت اثر مثبت و فرهنگ غیرمشارکتی اثر منفی خواهد داشت. شرایط و ساختار سیاسی حاکم نیز در وضعیت مشارکت می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. عوامل دیگری چون وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه در میزان مشارکت بی‌تاثیر نیست. ولی با توجه به محدودیت‌های یک مقاله، در این مقاله هیچ یک از عوامل فوق بررسی نشده است، بلکه آن چه در این مقاله مورد توجه ما قرار دارد اثر ویژگی‌های فردی و شخصیتی افراد در میزان مشارکت آن‌هاست. به عبارت دیگر، پرسش دیگر ما این است که اثر ویژگی‌های فردی و شخصیتی افراد در میزان مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) آنان چگونه است؟

نگاهی به زمینه تحقیق در ایران

در بررسی مشارکت اجتماعی در بستر تاریخی ایران، ملاحظه می‌شود که در ایران مشارکت‌های سنتی (غیررسمی) از دیرباز وجود داشته است. در میان عشایر، روستائینها و شهرنشین‌ها همکاری‌ها و مشارکت‌های جمعی در مراسم مختلف عزاداری، عروسی، و در امور و فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی همواره وجود داشته است (برای مثال ر.ک. به فرهادی، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۰؛ پیگولوسکایا، ۱۳۶۷؛ کمپفر، ۱۳۶۳؛ مهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۷۳؛ محسنی تبریزی، ۱۳۶۹؛ و علوی تبار، ۱۳۷۹).

از طرف دیگر، در کنار فعالیت‌های ذکر شده که بیش‌تر به واسطه سهولت یا کمبود امکانات به طور سنتی جمعی انجام می‌شده، در راستای توسعه خودگردانی روستاها، با تصویب قانون تشکیل شوراهای اسلامی روستا مشارکت‌های محلی همچون همکاری در نهضت

سوادآموزی، حل اختلافات روستاییان، ایجاد کتابخانه‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه، عمران، بهداشت، خدمات کشاورزی، ساختن مدرسه، حمام، پل، مسجد و خانه‌های بهداشت، و جمع‌آوری کمک‌های نقدی و جنسی جهت جبهه‌های جنگ در روستاها وجود داشته است (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۹۱).

با نگاهی به تجربه‌های بیان شده در زمینه مشارکت‌های سنتی (غیررسمی) در میان عشایر و روستاییان، مشخص می‌شود که بیش‌تر آن‌ها در زمینه اقتصادی - اجتماعی بوده‌اند. در این جوامع، به‌رغم کوچکی اندازه و محدود بودن نقش‌ها، تقسیم کار پیچیده‌ای برای پیشبرد امور تولیدی آن‌ها پدید آمده است که بدون همکاری و مشارکت افراد، قابل تحقق نبوده است. دامداری و کشاورزی سنتی بر مبنای مشارکت گروه‌های کوچکی از افراد شکل گرفته و انجام دادن کارهای سخت (که از توان یک نفر خارج است) و کارهای عمومی را آسان و امکان‌پذیر می‌ساخته است. تعدادی از این‌گونه مشارکت‌ها در شهرهای گذشته که جمعیت آن‌ها زیاد نبود و همچنین در برخی از شهرهای کوچک امروزی باقی مانده است. برای نمونه در تهران قدیم که تأمین آب شهر از قنوات بوده است، تقسیم آب با مشارکت مردم هر محل انجام می‌گرفت. یا برای تأمین امنیت محلات دو تا سه نهبان از افراد محلی بدون مزد و به نوبت گماشته می‌شدند (صفاریان، ۱۳۵۵: ۶۱-۶۲).

هر چند در شهرها و روستاهای ایران در گذشته مشارکت افراد بیش‌تر در امور مربوط به تولید اقتصادی بوده، اما در زمینه‌های دیگر نیز مشارکت‌های برجسته و قابل توجهی دیده می‌شود که برخی تا به امروز هم ادامه یافته است. مثلاً در زمینه فعالیت‌های مذهبی می‌توان به ساختن تکیه برای مراسم عزاداری، ساختن مساجد، همکاری در مراسم تاسوعا و عاشورا اشاره کرد. نجمی می‌نویسد: «تکیه‌های تهران را جماعتی از افراد خیر اندیش و نیکوکار محلات برای تعزیه و انجام مراسم سوگواری می‌ساختند» (نجمی، ۱۳۵۰: ۵۴).

بنابراین، با توجه به تاریخچه تشکیل‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی در ایران به منزله

بسترهای فراهم‌کننده مشارکت اجتماعی می‌توان گفت که فعالیت‌ها و مشارکت‌های مردمی از دیرباز در ایران وجود داشته است. یکی از دلایل این امر، تعالیم دینی و سنتی در مورد رسیدگی و کمک به یکدیگر، به ویژه فقرا و ایتام و نیازمندان بوده است. با تغییر وضعیت جامعه، اکنون بعضی از فعالیت‌های مردمی فوق در حال دگرگونی از حالت غیررسمی به سازمان‌های غیردولتی رسمی است. به تعبیر دیگر، در چند دهه اخیر، فعالیت‌های مردمی دوران انتقالی را سپری می‌کنند (دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۹: ۵).

درباره زمینه‌سازی برای مشارکت رسمی، می‌توان به تصویب قانون ایجاد انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۲۸۶ به وسیله مجلس اول شورای ملی اشاره کرد که در اصول متمم قانون اساسی گذشته مطرح شده بود. بر اساس وظایفی که برای این انجمن‌ها پیش‌بینی شده بود، هدف از ایجاد آن‌ها مشارکت مردمی در مدیریت و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف کشور بود که تحقق نیافت. پس از انقلاب اسلامی، اصول مربوط به تشکیل شوراهای اسلامی در قانون اساسی پیش‌بینی شد، و مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون شوراهای اسلامی در آذر ماه ۱۳۶۱ طرز تشکیل و حدود وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی را مشخص کرد، ولی اجرای این قانون سال‌ها به تعویق افتاد. اهداف این قانون، اجرای سیاست عدم تمرکز، سپردن کارها به خود مردم، سرعت‌بخشیدن به جریان امور، رفع تبعیض، ایجاد نظارت اجتماعی، هدایت و رهبری برنامه‌های محلی، آگاه‌سازی مردم، و بالابردن توان دولت و دستگاه‌های دولتی بوده است (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۷۲-۷۶). البته، با توجه به این که شوراهای اسلامی در سطح کشور تازه تأسیس بوده و تا کنون فقط دو بار انتخابات مربوط انجام شده است، برای ارزیابی عملکرد آن‌ها باید فرصت بیشتری داد (هاشمی، ۱۳۷۲: ۴۴).

لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر در کشور، تشکلهای رسمی غیردولتی متعددی با هدف رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی و ارائه خدمات به قشرهای مختلف به وجود آمده است که از مصادیق بارز مشارکت اجتماعی بوده و امیدوارکننده است. این تشکلهای در جهت

ارائه خدمات به طبقات محروم جامعه، مانند فراهم آوردن سرپناه برای زنان و دختران، زنان بی‌سرپرست، پرداخت وام‌های کوچک، فراهم کردن امکان تحصیل و ازدواج، فعالیت‌های ترویجی و غیره تشکیل شده‌اند و فعالیت می‌کنند (طهماسبی، ۱۳۸۰: ۵۹-۶۰).

مبانی نظری تحقیق

مشارکت اجتماعی نیاز به شرایطی دارد که در صورت فراهم شدن آن‌ها امکان شکل‌گیری و ادامه آن وجود دارد. این شرایط شامل شرایط مساعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (پناهی، ۱۳۷۶؛ ازغندی، ۱۳۷۶: ۴۰۴-۴۰۸). برای مثال، در بعد فرهنگی، وجود و پذیرش ارزش‌هایی مانند تعاون، همیاری و اهمیت رسیدگی به نیازهای مردم، و درونی کردن آن‌ها در فرآیند اجتماعی شدن، و اعتقاد به اثربخش بودن مشارکت اجتماعی در بهبود وضعیت فردی و اجتماعی، در اقدام مشارکت‌جویانه اثر می‌گذارد (خوش‌فر، ۱۳۷۳: ۳۴-۳۵؛ پناهی، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۳).

کائوتری جهت ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت مردم حداقل چهار شرط عمده را لازم می‌داند که باید هنگام هرگونه تلاش و کوشش برای نهادی کردن مشارکت، در نظر گرفته شوند: ۱- ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)، ۲- نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)، ۳- اطلاعات کافی، و ۴- امکانات مادی و تخصصی لازم. به نظر وی، ایدئولوژی مشارکت باید حداقل تقسیم عادلانه درآمد و امکانات، و توسعه خودگردان را مورد تأکید قرار دهد. چراکه بدون تقسیم عادلانه قدرت اقتصادی، امکان مشارکت واقعی طبقات پایین جامعه وجود نخواهد داشت. همچنین با تأکید بر اصول توسعه خودگردان است که می‌توان توده‌ها را از اعتماد به نفس برخوردار ساخت و این تحول روانی برای مشارکت و توسعه هر دو حائز اهمیت اساسی است.

شرط دوم کائوتری ایجاد نهادهای مخصوص مشارکت است. این نهادها در هر کشور تحت

تأثیر دسته‌ای از عوامل، از قبیل جهت‌گیری ایدئولوژیک، ساختار اجتماعی، سابقه تاریخی، و جمعیت‌شناسی شکلی متفاوت می‌یابند. اما ویژگی مشترک همه این نهادها غیرمتمرکز گرداندن قدرت و هدایت آن به سطوح پایین جامعه است. سازمان‌های اجتماعی مانند شهرداری‌ها، انجمن‌ها، شوراهای، و تعاونی‌های روستایی نهادهایی هستند که مشارکت را تسهیل می‌کنند. از طرف دیگر، اگر نظامی برای اطلاع‌رسانی وجود نداشته باشد، ایدئولوژی مشارکتی یا نهادهای مشارکتی مؤثر نخواهند بود. اطلاعات در این زمینه به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف- اطلاعات ایدئولوژیک، ب- اطلاعات فنی، و ج- اطلاعات عملیاتی یا مربوط به مدیریت. کمبود منابع مالی و انسانی نیز که بتوان آن را در اختیار رده‌های پایین گذاشت، مانعی در جهت کارایی نهادهای ویژه تضمین مشارکت به شمار می‌رود. اگر مردم به امکانات مالی و اختیارات لازم برای اجرای طرح‌های مورد علاقه خود دسترسی نداشته باشند، مشارکت به سرعت جای خود را به بی‌علاقگی خواهد داد (کائوتری و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۵۰-۱۵۷).

علاوه بر شرایط ذکر شده برای افزایش مشارکت، موانعی نیز در راه مشارکت وجود دارند که باید مورد توجه قرار گیرند. این موانع را می‌توان به موانع ساختاری، اداری، و اجتماعی تقسیم کرد. از موانع ساختاری، محیط و فضای سیاسی یک‌جانبه و عدم توزیع مناسب قدرت را می‌توان نام برد. شاید عمده‌ترین مانع مشارکت اجتماعی مربوط به ذهنیت وابستگی به دولت و نخبگان سیاسی باشد که نتیجه تمرکز قدرت و ساختار سیاسی اقتدارگراست. در اکثر کشورهای جهان سوم، از جمله ایران، مردم برای نسل‌های متمادی توسط گروه‌های نخبه‌ای که همه کارها را خود هدایت می‌کردند، احاطه شده‌اند. این گروه‌ها ابتکار عمل را از مردم عادی می‌گیرند و آن‌ها را به طرف کارهای معمولی سوق می‌دهند، به طوری که آن‌ها برای حل تمام مسائل و مشکلات خود به رهبران وابسته باشند. بنابراین، می‌توان گفت فقدان اعتماد مسئولان به مردم باعث حاشیه‌ای شدن آن‌ها می‌شود. بدین ترتیب، این ذهنیت ایجاد می‌شود که افراد معمولی توان رهبری و مهارت‌های سازمانی را ندارند و نمی‌توانند رأساً در امور جامعه، مانند

اقدامات توسعه‌ای مشارکت کنند (رهنما، ۱۳۸۱: ۸۹-۹۶؛ Oakley, 1991: 10-13). از آن‌جا که در این تحقیق، واحد تحلیل ما فرد بوده و قصد داریم ویژگی‌های فردی مؤثر بر مشارکت اجتماعی را بررسی کنیم، ذیلاً به توضیح بعضی از نظریه‌های مربوط و مورد استفاده در سطح خرد می‌پردازیم. از نظریه‌های مطرح شده در سطح خرد برای تبیین مشارکت اجتماعی، به مثابه یک کنش اجتماعی، می‌توان به نظریه‌هایی مانند نظریه کنش موجه یا عقلانی (theory of reasoned action) آیزن و فیش‌باین، نظریه اثربخشی، نظریه

ازخودبیگانگی و بی‌قدرتی اشاره کرد.

مثلاً، بر اساس نظریه کنش موجه آیزن و فیش‌باین، قصد و نیت افراد تأثیر مستقیمی بر رفتار، از جمله رفتار مشارکتی دارد. اکثر رفتارها به این دلیل انجام می‌شوند که مردم به نتایج اعمال خود فکر می‌کنند و برای حصول پاره‌ای نتایج، دست به انتخاب منطقی می‌زنند و برای این انتخاب از اطلاعات در دسترس استفاده می‌کنند (McCormack, 1999: 1). اما علاوه بر قصد و نیت، عوامل دیگری نیز بر رفتار اثر می‌گذارند، مانند انتظار افراد از یک کنش، ارزیابی از کنش، میزان اطلاعات، انگیزه فرد برای برآوردن انتظارات دیگران، میزان اقدام به چنان کنشی در گذشته، و امکانات و وسایل لازم برای انجام کنش (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۲۳).

در نظریه اثربخشی، فرد به میزان اثرگذاری عمل خود در جامعه توجه می‌کند و اگر ارزیابی وی این باشد که عمل او اثرگذار و تعیین کننده است دست به انجام آن می‌زند، و در غیر این صورت از آن خودداری می‌کند. البته قضاوت‌های فرد درباره میزان اثربخشی عمل وی بستگی به اطلاعاتی دارد که وی از محیط و از سوابق گذشته به دست می‌آورد (Dahl, 1984: 99).

نظریه‌های مربوط به ازخودبیگانگی و بی‌قدرتی به تصور و حالتی از افراد توجه می‌کنند که در آن، انسان‌ها خود را قادر به کنترل محیط و عوامل اجتماعی و حتی نتایج اعمال و رفتار خود نمی‌دانند و احساس تعلق نیز به محیط و جامعه خود ندارند. سیمن پنج نوع ازخودبیگانگی و بی‌قدرتی را از هم متمایز کرده است که عبارتند از: احساس بی‌قدرتی،

احساس بی‌معنایی یا بی‌محتوایی، احساس نابهنجاری، احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خویشتن (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۷-۶۹). همه این نظریه‌ها بر این نکته تأکید دارند که هر چه احساس بی‌قدرتی فردی در میان افراد بیش‌تر رواج پیدا کند، افراد بیش‌تر دچار بیگانگی مخصوصاً بیگانگی سیاسی و اجتماعی می‌شوند و در نتیجه، حالت‌های مختلفی (از جمله انفعال و بی‌تفاوتی) به خود می‌گیرند و نهایتاً در اجتماع و جامعه و در میان جمع کم‌تر مشارکت می‌کنند.

به دلیل اهمیت آرای پارسونز برای تبیین کنش مشارکت اجتماعی، نظریه‌کنش اجتماعی او به منزله چارچوب نظری اصلی این پژوهش انتخاب شد. پارسونز با مطالعه و ترکیب افکار و آرای صاحب‌نظران قبل از خود سعی در ارائه مدلی عام نمود که بتواند در قالب آن، کنش اجتماعی را در رابطه با تمام عوامل ممکن، از جمله محیط طبیعی، نظام ارگانیسمی، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی، ارزش‌های غایی، ساختارهای اقتصادی، ساختارهای سیاسی و نهادهای فرهنگی در سطح خرد و کلان تحلیل کند.

از نظر پارسونز، کنش انسان دارای سه بعد ارگانیستی، شخصیتی و فرهنگی است، که در این میان، ارگانیسم رفتاری به عنوان محرک‌های زیستی انسان تلقی می‌شود و وظیفه آن، انطباق با محیط است. ولی انسان با قرار گرفتن در محیط فرهنگی، ارزش‌ها را درونی می‌کند و دارای شخصیت می‌شود که او را به سوی هدف‌های خاصی هدایت می‌کند، و نظام فرهنگی نظام اجتماعی را با کارکرد یگانگی خود نظم می‌بخشد.

همچنین پارسونز معتقد است که انسان در کنشهای اجتماعی خود، رابطه‌ای دوجانبه با جامعه دارد. به طوری که هم در تغییرات ساختاری جامعه مؤثر است و هم از جامعه تأثیر می‌پذیرد و شرایط ساختاری جامعه، کنشهای او را مشروط و مقید می‌سازد. این امر در قالب متغیرهای الگویی او به طور مشخص مطرح می‌شود، به طوری که انسان در هر موقعیت واقعی باید تصمیم بگیرد که چگونه عمل کند و ملزم به اختیار یکی از حالت‌های دوگانه زیر است:

جهت‌گیری جمعی در مقابل جهت‌گیری فردی، علاقه داشتن در مقابل بی‌تفاوتی، عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی، معیارهای محقق در مقابل معیارهای محول، ویژه و انحصاری بودن در مقابل پراکنده بودن. این متغیرها بیانگر ارزش‌های اصلی جامعه هستند.

پارسونز می‌گوید که کنش، یک حرکت نظام‌دار است که از کنشگر سر می‌زند و ناظر بر یک مقصود و هدف است که این هدف در ذهن کنشگر هم وجود دارد و این کنش در جریان حرکت خود از محیط طبیعی و امکانات اجتماعی بهره می‌گیرد و با انتخاب وسایل لازم به طرف مقصود حرکت می‌کند. در این حرکت، کنشگر (فرد) هدفی را تعقیب و از وسایل محیطی نیز استفاده می‌کند، و این یک فرآیند نظام‌دار و معمولاً ارادی و عقلانی است.

در تحلیل کنش در سطح خرد، پارسونز معتقد است که هر عملی که از انسان سر می‌زند، سه خصلت عمده دارد: یکی خصلت ارگانستی است، یعنی هر کنشی در جهت پاسخ به نیازی زیستی است؛ یکی خصلت شخصیتی است، یعنی هر کنشی تحت تأثیر شخصیت فرد است؛ و یکی خصلت فرهنگی است، یعنی هر کنشی صبغه فرهنگی داشته و تحت تأثیر فرهنگ جامعه است. ارگانسیم رفتاری نیز دارای سه گرایش هنجاری، ارزیابی و ادراکی یا شناختی است.

بدین ترتیب، پارسونز ارگانسیم را نخستین منشأ کنش می‌داند. ارگانسیم وسیله‌ای است که انسان از طریق آن با محیط طبیعی در ارتباط قرار می‌گیرد. کارکرد چنین ارگانیسمی فراهم کردن موجبات تطابق انسان با محیط است. به نظر پارسونز، انسان در این سطح باقی نمی‌ماند چون نوزاد انسان در یک نظام فرهنگی متولد می‌شود. این ارگانسیم در برخورد با فرهنگ، یعنی مجموعه باورها، ارزش‌ها، و هنجارهایی که از نسلی به نسلی می‌رسد، فرهیخته می‌شود، یعنی رفتارهایش در قالب فرهنگ شکل می‌گیرد. به عبارتی، ارگانسیم طی فرآیند اجتماعی شدن برخی از باورها و ارزش‌ها و هنجارهای نظام فرهنگی را می‌پذیرد و درونی می‌کند و با درونی شدن ارزش‌ها و هنجارها، نظام شخصیتی شکل می‌گیرد. وقتی نظام شخصیتی شکل گرفت دیگر انسان از ارگانسیم تبعیت نمی‌کند، بلکه از شخصیت خود تبعیت می‌کند. کارکرد شخصیت

هدف‌یابی است، یعنی راه‌یابی انسان در نیل به هدف. در این جا شخصیت بر ارگانیسم مسلط می‌شود.

وی معتقد است ما با دو عنصر دیگر نیز سروکار داریم که آن‌ها محیط‌های کنش اجتماعی هستند و بر کنش اثرگذارند: یکی محیط طبیعی و دیگری ارزش‌های غایی. محیط ارگانیک - فیزیکی تسهیلات محیطی را برای افراد فراهم می‌کند. ارزش غایی یک نماد است که ناظر به آینده است. در بین عناصر مطرح شده، عنصری که میزان اطلاعات آن بالاتر است، کنترل بیش‌تری بر کنش دارد، به طوری که آن را از بالا به پایین مورد توجه قرار می‌دهد. محیط طبیعی کم‌ترین اطلاعات و بیش‌ترین انرژی را دارد، سپس ارگانیسم رفتاری و بعد از آن، نظام شخصیتی و نهایتاً ارزش‌های غایی است. به نظر وی، انسان در کنش خود آزاد است و کنش تاحدی ارادی و اختیاری است ولی نه آزاد مطلق، بلکه کنشگر تحت شرایط ساختاری در جامعه عمل می‌کند. بنابراین شرایط و عوامل سطح کلان، کنش انسان را مقید و مشروط می‌کنند. نتیجه این است که انسان در اعمال خودش هر چند مقید به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است ولی می‌تواند با کنش خود این ساختارها را تغییر دهد (ریتزر، ۱۳۷۹: ۱۳۱-۱۴۴؛ کرایب، ۱۳۷۸: ۵۱-۶۴؛ توسلی، ۱۳۸۰: ۲۳۷-۲۶۱).

با به کارگیری نظریه فوق در مورد تبیین مشارکت اجتماعی، باید اثر نظام فرهنگی ایران را (که در نظریه پارسونز بالاترین سطح اطلاعات را دارد) در ساختن شخصیت افراد، از طریق فرآیند اجتماعی کردن در خانواده و مدرسه و غیره بررسی کرد، که آیا در فرهنگ غالب و خرده‌فرهنگ‌های کشور، ارزش‌های مناسب مشارکت اجتماعی به افراد منتقل می‌شود یا خیر. مثلاً، آیا شخصیت ایرانیان خاص‌گراست یا عام‌گرا؟ آیا افراد باهم همسو هستند یا خیر؟ بر اساس نظریه پارسونز، هرچه عام‌گرایی و همسویی در شخصیت و فرهنگ مردم بیش‌تر باشد، باید انتظار مشارکت اجتماعی بیش‌تری داشت. لذا اگر ما بتوانیم مجموعه‌ای از ارزش‌ها و قوانین و باورهای عام داشته باشیم، می‌توانیم در انتظار داشتن شخصیت‌های عام‌گرا نیز باشیم.

بنابراین برای مشارکت جو بودن افراد باید قوانین و هنجارهای عام به وجود آید و تعمیم پیدا کند تا سبب پیوند افراد گردد. هرچه همفکری، همدلی، و همگامی افراد در جامعه بیش تر باشد، مشارکت اجتماعی بیش تر خواهد بود.

پارسونز متغیرهای الگویی خود را درباره سطح تکامل جوامع شامل مواردی چون علاقه‌مند بودن در برابر بی‌علاقگی، جهت‌گیری جمعی در برابر جهت‌گیری فردی، عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی، عقل‌گرایی در برابر سنت‌گرایی، فعال‌گرایی در برابر انفعال‌گرایی، آزادی در مقابل قیومیت، مساوات‌طلبی در مقابل سلسله‌مراتب می‌داند. هرچه جوامع به طرف صنعتی شدن پیش بروند، باید گرایش بیش تر به طرف اول طیف داشته باشند، که تناسب با مشارکت اجتماعی رسمی فعال دارد. به عبارت دیگر، پارسونز خصوصیات جوامع مدرن را وجود عناصری چون هنجارهای عام، فعال‌گرایی، آزادی، و عقل‌گرایی می‌داند (توسلی، ۱۳۸۰: ۲۴۲-۲۴۴؛ اسکیدمور ۱۳۷۲: ۸۳-۸۷).

بنابراین با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، و شخصیتی افراد در مرحله گذار فعلی کشور، مسئله مورد نظر ما در بحث مشارکت اجتماعی چگونگی اثرگذاری فرآیند توسعه اجتماعی - اقتصادی بر افراد و پذیرش متغیرهای الگویی از طرف آن‌هاست. می‌خواهیم ببینیم که در مرحله گذار از جامعه سنتی به صنعتی، مشارکت‌های اجتماعی مردم در چه جهتی انجام می‌شود. آیا همان گونه که می‌توان انتظار داشت، مشارکت اجتماعی در جامعه ما مخلوطی از مشارکت اجتماعی سنتی و غیررسمی و مشارکت اجتماعی رسمی است؟

همان گونه که اشاره شد، مشارکت اجتماعی نمی‌تواند جدا از فرهنگ وجود داشته باشد. می‌توان گفت اگر جامعه‌ای بخواهد قدم در راه توسعه بگذارد، ضمن آن که باید عناصر فرهنگ سنتی را نوسازی و بازآفرینی نماید، مکلف است یک رشته خصوصیات و باورها، از جمله حاکمیت نگرش علمی، باور به رعایت حقوق دیگران، و نظم‌پذیری جمعی را در فرهنگ نهادینه سازد، تا از این طریق، برای مشارکت بیش تر در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و

فرهنگی آماده شود.

فرضیه‌ها: با استفاده از مباحث نظری فوق، متغیرهای مستقل اصلی و زمینه‌ای مربوط به ویژگی‌های شخصیتی و فردی مشخص شدند تا اثر آن‌ها بر میزان مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی بررسی شود. بر اساس این متغیرها فرضیه‌های تحقیق مطرح شدند، که عبارتند از: (۱) هرچه ویژگی‌های چون عام‌گرایی، فعال‌گرایی، عقلانیت، اعتماد اجتماعی، دلبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی و امید به آینده در افراد بیش‌تر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان بیش‌تر است. (۲) هرچه میزان تحصیلات پاسخگویان بیش‌تر باشد، مشارکت اجتماعی آنان بیش‌تر است. (۳) هرچه پذیرش ارزش مشارکت و سایر ارزش‌های اجتماعی توسط پاسخگویان بیش‌تر باشد، مشارکت اجتماعی آنان بیش‌تر است.

روش تحقیق

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش

برای تهیه پرسشنامه لازم بود متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تعریف نظری و عملیاتی شوند. متغیر وابسته این تحقیق، مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) است. با توجه به معنی عمومی مشارکت، مشارکت اجتماعی بر آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، روستا، روستا و شهر خود شرکت می‌نمایند و به صورت مستقیم، در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت می‌کنند. با توجه به این تعریف کلی، و با بررسی تعاریف متعدد مشارکت اجتماعی، تعریف نظری ما از مشارکت اجتماعی در این تحقیق با الهام از تعریف هلی (Helly) عبارت است از: مشارکت افراد در فعالیت گروه‌هایی خارج از خانواده و عرصه سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار). بنابراین، در این پژوهش، انواع مشارکت‌های داوطلبانه رسمی و غیررسمی با عضویت فعال در گروه‌های خارج از خانواده و همه گروه‌های فعال ناوابسته به سازمان‌های سیاسی و گروه‌های

فشار و اتحادیه‌های کارگری، مشارکت اجتماعی تلقی شده است (Helly, 2001: 1). بر مبنای تعریف نظری فوق، برای سنجش مشارکت رسمی افراد، عضویت و فعالیت فرد در انجمن‌های غیردولتی حفظ محیط زیست، شورای شهر، انجمن اولیا و مربیان، انجمن‌های علمی و فرهنگی و هنری، انجمن‌های خیریه‌ای رسمی، انجمن‌های حمایتی، مانند انجمن حمایت از حقوق زنان، سالمندان، زندانیان و کودکان، انجمن‌های قومی - مذهبی، و تعاونی‌های محلی مورد بررسی قرار گرفت. برای اندازه‌گیری میزان مشارکت در فعالیت‌های فوق، یازده گویه ساخته شد که هر کدام مشارکت افراد را در طیفی پنج‌گزینه‌ای (همیشه، بیش‌تر اوقات، گاهی، بندرت و اصلاً) مورد سنجش قرار می‌داد. از گویه‌های فوق، شاخص مشارکت رسمی افراد با دامنه ۰ تا ۴۴ به دست آمد، که برای تحلیل‌های آماری مورد استفاده قرار گرفت. به علاوه، جهت سنجش مشارکت رسمی سعی شد حتی‌الامکان از مقیاس *social participation scale* استوارت چابین استفاده شود که مقیاس شناخته‌شده‌ای است و اعتبار و پایایی آن بارها تأیید شده است (Miller, 1991: 495).

برای سنجش مشارکت اجتماعی غیررسمی، مشارکت افراد در فعالیت‌های مذهبی، خیریه‌ای (مانند کمک به خانواده‌های نیازمند جهت رفع گرفتاریها، تهیه جهیزیه، راه‌اندازی هیئت‌ها و غیره)، مشارکت محله‌ای از انواع گوناگون آن (مانند بهداشت محله، امنیت محله، و حفظ فضای سبز) مورد مطالعه قرار گرفت. برای اندازه‌گیری فعالیت‌های فوق، هفت گویه ساخته شد که همانند مشارکت اجتماعی رسمی با طیفی پنج‌گزینه‌ای سنجیده شد و شاخصی را به وجود آورد که دامنه تغییرات آن ۰ تا ۲۸ است. از ترکیب گویه‌های مشارکت رسمی و مشارکت غیررسمی، شاخص مشارکت اجتماعی کلی به دست آمد که دامنه تغییرات آن ۰ تا ۷۲ است. سپس برای محاسبه میانگین این شاخص‌ها، دامنه آن‌ها با اعمال ضریب به ۰ تا ۴ برگردانده شد.

به همین ترتیب، متغیرهای مستقل نیز تعریف نظری و عملیاتی شدند. برای بررسی

«ویژگی‌ها شخصیتی» افراد براساس مبانی نظری خصوصیات فعال‌گرایی، اعتماد اجتماعی، دلبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی، عقلانیت، عام‌گرایی و امید به آینده در نظر گرفته شد که هر یک، تعریف نظری و عملیاتی شده و با چند گویه سنجیده شدند. همچنین متغیر «ارزش مشارکت اجتماعی» بر اساس تعریف نظری و عملیاتی با نه گویه، در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای، سنجیده شد و بر اساس آن، شاخص مربوط با دامنه ۰ تا ۳۶ ساخته شد. سایر ارزش‌های اجتماعی نیز در دو نوع ارزش‌های مادی (شامل مقام، شهرت، ثروت و سلامتی) و ارزش‌های فرامادی (شامل حیثیت و آبرو، درستکاری، علم و دانش) مورد بررسی قرار گرفتند. میزان تحصیل نیز بر مبنای تعداد سال‌های تحصیل اندازه‌گیری شد. در این‌جا جهت حفظ اختصار از پرداختن به جزئیات تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل خودداری می‌شود (برای جزئیات تعاریف عملیاتی، ر.ک. به یزدان‌پناه، ۱۳۸۲: ۱۶۶-۱۹۱). با استفاده از گویه‌های فوق پرسشنامه تحقیق تدوین و پس از آزمون‌های لازم، نهایی شده و مورد استفاده قرار گرفت.

پایایی و روایی پرسشنامه: با در نظر گرفتن ضوابط و قواعدی که برای حصول اطمینان از اعتبار و پایایی وسیله اندازه‌گیری به کار گرفته می‌شود، ابزار و محتوای مورد استفاده دقیقاً مورد آزمون قرار گرفت. در اینجا به موارد زیر اشاره می‌شود: ۱- استفاده از پرسشهای آزمون شده قبلی در پژوهش‌های مشابه تا حد ممکن، ۲- نظرخواهی از اساتید و متخصصان جهت تأمین اعتبار صوری و ۳- استفاده از روش‌های آماری همبستگی اجزا و تحلیل عاملی.

پرسشنامه تهیه شده طی دو مرحله پیش‌آزمون شد. سپس بر اساس نتایج محاسبه شده و بررسی پاسخ‌های آن‌ها و انجام دادن محاسبات آماری نظیر تحلیل عوامل، ضریب همبستگی و آزمون پایایی، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. از طرف دیگر، در پژوهش حاضر جهت افزایش درجه اعتبار از اعتبار سازه‌ای نیز بهره گرفته شد، به طوری که نتایج به دست آمده دقیقاً نشان داد که مهم‌ترین عامل در تبیین مشارکت اجتماعی، مشارکت اجتماعی غیررسمی است. تحلیل

عاملی نیز به طور کامل، ساختار عاملی متغیر وابسته پژوهش را تأیید کرد. بنابراین اعتبار سازه‌ای ابزار پژوهش از طریق اعتباریابی عاملی (factor validity) تأیید شد. قابل ذکر است که برای شاخص‌ها و متغیرهای مستقل نیز از تحلیل عوامل استفاده کرده‌ایم. برای سنجش پایایی داده‌ها نیز از روش توافق داخلی (internal consistency) استفاده شده است. مهم‌ترین شاخص توافق داخلی آزمون کرونباخ (Cronbach Coefficient) تسن که در این جا جهت انجام نئتم آزمون پایایی، در ابتدا در پرسشنامه مقدماتی جهت بررسی پرسش‌های اصلی پژوهش و مجموع گویه‌ها، و سپس با محاسبه ضرایب هر یک از خرده‌طیف‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. پس از طی این مرحله، جهت نهایی کردن پرسشنامه، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز مجدداً پایایی گویه‌ها مورد محاسبه قرار گرفت (Zeller, et al, 1980: 48-100).

برای بررسی فرضیه‌ها، با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها، از آزمون‌های مختلفی استفاده شده است. از آن‌جا که شاخص‌های به دست آمده از نمونه نسبتاً بزرگ را می‌توان متغیر فاصله‌ای تلقی کرد، از ضرایب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندمتغیره جهت سنجش رابطه بین متغیرها و میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه‌گیری: در این تحقیق پیمایشی، جامعه آماری مورد بررسی شهروندان هجده سال به بالای ساکن مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، و واحد تحلیل ما فرد است. روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای مطبق بوده که متناسب با حجم جمعیتی هر یک از مناطق ۲۲ گانه و به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شده است. در این شیوه نمونه‌گیری، هر یک از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به عنوان یک طبقه (startum) در نظر گرفته شد. با توجه به چارچوب جامعه آماری، مناطق ۲۲ گانه تهران به ۳۲۴۷۹ بلوک تقسیم‌بندی و انتخاب بلوک‌های ساختمانی به عنوان نقطه شروع نمونه‌گیری در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب، با استفاده از ضرایب مربوط، در ابتدا از بین بلوک‌های ساختمانی فوق ۱۵۲ بلوک به عنوان بلوک نمونه انتخاب شد، و از طریق فهرست‌برداری از خانوارهای هر بلوک، چهار درصد از خانوارهای

بلوک‌های نمونه انتخاب، سپس با مراجعه به خانوارهای نمونه و انتخاب فرد واجد شرایط، مصاحبه انجام و پرسشنامه‌ها تکمیل گردید. با توجه به نسبت افراد هجده ساله و بالاتر در هر خانوار انتظار می‌رفت که حدود 20 ± 840 پرسشنامه تکمیل گردد، ولی در عمل ۸۲۷ پرسشنامه تکمیل گردید. داده‌های پژوهش از این پرسشنامه‌ها استخراج شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات

توصیف بعضی از ویژگی‌ها نمونه

ابتدا نگاهی به ویژگی‌ها نمونه به دست آمده می‌اندازیم. جدول شماره ۱ نحوه توزیع

پاسخگویان را بر حسب گروه‌های سنی نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱- توزیع پاسخگویان بر حسب گروه‌های سنی

گروه‌های	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۸-۲۰	۱۲۷	۱۵/۵	۱۵/۵
۲۱-۲۵	۱۴۷	۱۷/۹	۳۳/۴
۲۶-۳۰	۱۱۶	۱۴/۱	۴۷/۵
۳۱-۳۵	۱۰۲	۱۲/۴	۵۹/۹
۳۶-۴۰	۸۸	۱۰/۷	۷۰/۶
۴۱-۴۵	۶۶	۸	۷۸/۶
۴۶-۵۰	۵۹	۷/۲	۸۵/۸
۵۱-۵۵	۳۳	۴	۸۹/۸
۵۶-۶۰	۳۲	۳/۹	۹۳/۷
۶۱ و بیشتر	۵۲	۶/۳	۱۰۰
جمع	۸۲۲	۱۰۰	-

میان‌گین = ۳۲

میانگین = ۳۴/۸

چنان که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، میانگین سنی نمونه ۸۲۰ نفری به دست آمده ۳۴/۸ سال و میانه آن ۳۲ سال است که نزدیک به یک توزیع نرمال است. از نظر اشتغال، ۳۹/۴ درصد آنان شاغل تمام وقت یا نیمه وقت، ۱۲/۷ درصد آنان دانشجوی و محصل، ۳۳/۷ درصد آنان خانه‌دار و بقیه نیز بیکار، بازنشسته و غیره بودند. میانگین درآمد خانواده پاسخگویان حدود ۲۵۵ هزار تومان و میانگین بعد خانوار ۴/۲ نفر بود. ۶۱/۴ درصد آنان متأهل و بقیه مجرد بودند. بررسی پایگاه اجتماعی پاسخگویان با استفاده از شاخص پایگاه اجتماعی (که از ترکیب منزلت شغلی، میزان تحصیل و درآمد ساخته شد) نشان داد که ۲۱/۵ درصد پاسخگویان در پایگاه اجتماعی پایین و ۷۱/۷ درصد در سطح متوسط و ۶/۸ درصد نیز در سطح بالا قرار داشتند. به علاوه، این بررسی نشان داد که ۳۱/۲ خانواده پاسخگویان مشارکت‌جو بوده‌اند و در بقیه آنان عضو مشارکت‌جویی وجود نداشته است. لازم به یادآوری است که با توجه به محدودیت فضا از آوردن جداول مربوط خودداری شد (یزدان‌پناه، ۱۳۸۲: ۲۰۹-۲۱۷).

یکی از متغیرهایی که مورد بررسی قرار گرفت میزان «تمایل افراد به مشارکت اجتماعی» بود تا با مشارکت واقعی افراد مقایسه شود. جدول شماره ۲ نحوه توزیع پاسخگویان را در این زمینه نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که شاخص مشارکت اجتماعی کلی با دامنه تغییر ۰ تا ۷۲ و شاخص‌های مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی همگی به متغیری با دامنه ۰ تا ۴ برگردانده شده‌اند.

چنان که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، تمایل به مشارکت اجتماعی کلی پاسخگویان ۱/۹ از ۴ بوده و سطح پایینی را نشان می‌دهد. تمایل به مشارکت ۷۸ درصد پاسخگویان در سطح متوسط و پایین قرار دارد. مقایسه تمایل به مشارکت اجتماعی غیررسمی و رسمی نشان می‌دهد که میانگین اولی ۲/۴۴ و دومی ۱/۴۸ از ۴ شده است. بررسی موانع مشارکت

جدول شماره ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تمایل به مشارکت اجتماعی کل، رسمی، غیررسمی

مشارکت اجتماعی کل			مشارکت اجتماعی رسمی			مشارکت اجتماعی غیررسمی			میزان تمایل
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۱/۶	۱/۶	۷	۹/۵	۹/۵	۴۲	۱/۷	۱/۷	۱۲	اصلاً
۳۰/۳	۲۸/۷	۱۲۴	۵۵/۲	۴۵/۷	۲۰۱	۱۵	۱۳/۳	۹۱	کم
۷۸	۴۷/۷	۲۰۶	۸۷/۷	۳۲/۵	۱۴۳	۵۰/۳	۳۵/۳	۲۴۲	متوسط
۹۸/۶	۲۰/۶	۸۹	۹۸/۶	۱۰/۹	۴۸	۸۸/۹	۳۸/۶	۲۶۵	زیاد
۱۰۰	۱/۴	۶	۱۰۰	۱/۴	۶	۱۰۰	۱۱/۱	۷۶	کاملاً
-	۱۰۰	۴۳۲	-	۱۰۰	۴۴۰	-	۱۰۰	۶۸۶	جمع
۱/۹			۱/۴۸			۲/۴۴			میانگین

اجتماعی از نظر پاسخگویان نشان داد که ۱۱/۳ درصد پاسخگویان موانع خانوادگی - اقتصادی را کم، ۶۲/۲ درصد متوسط و ۲۶/۴ درصد زیاد ارزیابی کرده‌اند. در خصوص موانع اجتماعی نیز ۲۸/۹ درصد این موانع را کم، ۵۰/۶ درصد متوسط و ۲۰/۵ درصد زیاد می‌دانند. این بررسی نشان می‌دهد که اگر میزان تمایل به مشارکت اجتماعی کم است، یکی از علل آن می‌تواند احساس وجود موانع خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی بالا باشد. اکنون باید دید با وجود موانع فوق، چه میزان از تمایل به مشارکت تحقق عینی می‌یابد. جدول شماره ۳ نحوه توزیع متغیر وابسته تحقیق یعنی میزان مشارکت اجتماعی افراد را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت اجتماعی در ابعاد مختلف غیررسمی،

رسمی و کل

مشارکت اجتماعی کل			مشارکت اجتماعی رسمی			مشارکت اجتماعی غیررسمی			میزان تمایل
درصد نسبی	درصد	فراوانی	درصد نسبی	درصد	فراوانی	درصد نسبی	درصد	فراوانی	
۵/۴	۵/۴	۲۰	۵۴/۴	۵۴/۴	۲۰۵	۴/۴	۴/۴	۳۱	اصلاً
۸۴/۹	۷۹/۵	۲۹۵	۹۶/۳	۴۱/۹	۱۵۸	۴۶/۴	۴۲	۲۹۶	کم
۹۹/۵	۱۴/۶	۵۴	۱۰۰	۳/۷	۱۴	۸۵/۷	۳۹/۲	۲۷۶	متوسط
۱۰۰	۰/۵	۲	-	-	-	۹۸/۲	۱۲/۶	۸۹	زیاد
-	-	-	-	-	-	۱۰۰	۱/۷	۱۲	کاملاً
-	۱۰۰	۳۶۹	-	۱۰۰	۳۷۷	-	۱۰۰	۷۰۴	جمع
۱/۱			۰/۴۹			۱/۶۵			میانگین

با وجود موانع مختلف، طبیعی است که میزان مشارکت اجتماعی بسیار کم‌تر از تمایل به مشارکت اجتماعی باشد. این مطالعه نشان می‌دهد که میانگین مشارکت کلی پاسخگویان ۱/۱، مشارکت رسمی ۰/۴۹ و مشارکت غیررسمی ۱/۶۵ از ۴ است. بنابراین کلاً سطح مشارکت اجتماعی بسیار پایین است. در عین حال مشارکت رسمی کم‌تر از یک سوم مشارکت غیررسمی است. به عبارت دیگر، این بررسی نشان می‌دهد که اولاً مشارکت اجتماعی و تمایل به مشارکت از هر دو نوع رسمی و غیررسمی پایین است، و ثانیاً مشارکت اجتماعی رسمی و تمایل به مشارکت رسمی خیلی پایین‌تر از مشارکت غیررسمی است که می‌تواند ناشی از غلبه بعد سنتی جامعه و ویژگی‌ها مربوط بر بعد رسمی و مدرن باشد. یکی از عوامل پایین بودن

مشارکت رسمی عدم آگاهی از وجود سازمان‌های داوطلبانه غیردولتی است. فقط حدود ۱۸ درصد پاسخگویان از وجود انجمن‌های داوطلبانه در محله و شهر خود آگاهی داشتند، و بیش تر آن‌ها نیز انجمن اولیا و مربیان و تعاونی خانوادگی و انجمن و بسیج مسجد را معرفی می‌کردند. اکنون نگاهی به نحوه توزیع متغیرهای مستقل پژوهش می‌اندازیم. در ابتدا ویژگی‌ها شخصیتی پاسخگویان را از نظر متغیرهای فعال‌گرایی، امید به آینده، اعتماد، دلبستگی اجتماعی، احساس تعهد اجتماعی، خرد ورزی و عام‌گرایی مطالعه می‌کنیم. جدول شماره ۴ نحوه توزیع این ویژگیها را در بین پاسخگویان نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان فعال‌گرایی، امید به آینده، اعتماد، دلبستگی

اجتماعی، تعهد اجتماعی، خردورزی، عام‌گرایی

فعال‌گرایی	امید به آینده		اعتماد		دلبستگی اجتماعی		تعهد اجتماعی		خردورزی		عام‌گرایی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
اصلاً	-	-	۰/۲	۲	۰/۹	۷	۰/۱	۱	-	-	-	-
کم	۰/۲	۲	۱۳/۲	۱۰۶	۱۳/۸	۱۰۸	۱/۲	۱۰	۱۰/۲	۸۱	۰/۱	۲
متوسط	۸/۳	۶۷	۴۶/۳	۳۷۲	۴۸/۸	۳۸۱	۱۸/۳	۱۴۹	۴۰/۵	۳۲۲	۳۰/۶	۱۵۴
زیاد	۴۳/۳	۳۵۱	۲۴۹	۳۱	۳۳/۲	۲۵۹	۸۰/۳	۶۵۴	۳۹/۶	۳۱۵	۴۸/۴	۵۳۳
کاملاً	۴۸/۲	۳۹۱	۷۵	۹/۳	۳/۳	۲۶	-	-	۹/۷	۷۷	۲۰/۸	۱۱۲
جمع	۱۰۰	۸۱۱	۱۰۰	۸۰۴	۱۰۰	۷۸۱	۱۰۰	۸۱۴	۱۰۰	۷۹۵	۱۰۰	۸۰۱
میانگین	۴/۳۹		۳/۳۵		۳/۲۴		۳/۷۸		۳/۴۸		۳/۹۰	۴/۵۰

این جدول نشان می‌دهد که میانگین متغیرهای فعال‌گرایی، امید به آینده، اعتماد، دلبستگی اجتماعی، احساس تعهد اجتماعی، خرد ورزی و عام‌گرایی به ترتیب ۴/۳۹، ۳/۳۵، ۳/۲۴،

۳/۷۸، ۳/۴۸، ۳/۹۰ و ۴/۵ از ۵ است. بالاترین میانگین مربوط به عام‌گرایی است که متغیر مهمی در مشارکت اجتماعی است. ولی از طرف دیگر، میزان اعتماد اجتماعی پایین‌ترین میانگین را نشان می‌دهد که آن نیز برای اقدام مشارکتی ضرورت اساسی دارد.

از نظر سطح تحصیل، میانگین سال‌های تحصیل پاسخگویان ۱۱/۴ سال بوده، که تقریباً دو برابر سطح تحصیل پدرشان (۶/۲ سال) است. بررسی ارزش‌های اجتماعی پاسخگویان نشان داد که درصد کسانی که اهمیت زیاد و بسیار زیاد به ارزش‌های سلامتی، آبرو و حیثیت، درستکاری، علم و دانش، ثروت اندوزی، پست و مقام، و شهرت می‌دهند به ترتیب ۸۲/۴، ۸۱/۹، ۷۴/۳، ۵۲/۹، ۱۲/۳، ۸/۴ و ۷/۷ درصد است. اگر این ارزش‌ها را در دو طبقه ارزش‌های مادی (سلامتی، ثروت، مقام و شهرت) و ارزش‌های فرامادی (آبرو، درستکاری و علم) با هم مقایسه کنیم، ملاحظه می‌شود که میانگین ارزش‌های مادی حدود ۲۸ درصد و ارزش‌های فرامادی حدود ۷۰ درصد است، که بسیار بالاتر از ارزش‌های مادی است.

آزمون فرضیات

فرضیه اول: فرضیه اول درباره اثر ویژگی‌ها شخصیتی افراد در میزان مشارکت اجتماعی آنان است. به طوری که هرچه ویژگی‌ها مناسب مشارکت، شامل فعال‌گرایی، امید به آینده، اعتماد، دلبستگی اجتماعی، میزان تعهد اجتماعی، خردورزی، و عام‌گرایی در افراد بیش‌تر باشد، مشارکت اجتماعی آنان بیش‌تر است. با توجه به محدودیت حجم مقاله از آوردن جدول درصدی مربوط می‌گذریم و فقط ضرایب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و متغیرهای مربوط به ویژگی‌ها شخصیتی را در جدول شماره ۵ نشان می‌دهیم. لازم به توضیح است که چون مشارکت اجتماعی کل برای کسانی که هم مشارکت رسمی و هم مشارکت غیررسمی داشتند محاسبه شده است، حجم نمونه به حدود ۳۶۰ نفر کاهش یافته است.

جدول شماره ۵- ضرایب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و متغیرهای مربوط به

ویژگی‌های شخصیتی

مشارکت	فعال‌گرایی	امید به آینده	اعتماد	دلبستگی اجتماعی	تعهد اجتماعی	خردورزی	عام‌گرایی
مشارکت	۰/۲۶۲	۰/۲۱۸	۰/۲۱۸	۰/۳۸۲	۰/۲۵۶	۰/۰۳۳	-۰/۰۲۱
اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۲۶	۰/۶۸۴
کل	n = ۳۶۴	n = ۳۶۴	n = ۳۶۴	n = ۳۶۷	n = ۳۵۸	n = ۳۶۳	n = ۳۶۶
مشارکت	۰/۰۹۵	۰/۰۶۴	۰/۰۳۵	۰/۱۴۷	-۰/۰۱۱	۰/۰۲۸	۰/۰۱۸
اجتماعی	۰/۰۶	۰/۲۱۶	۰/۵۰۴	۰/۰۰۴	۰/۸۳۷	۰/۵۹۵	۰/۷۲۳
رسمی	n = ۳۷۰	n = ۳۷۰	n = ۳۷۰	n = ۳۷۳	n = ۳۶۳	n = ۳۶۸	n = ۳۷۲
مشارکت	۰/۲۹۹	۰/۲۳۵	۰/۰۸۶	۰/۳۶۵	۰/۲۷۱	۰/۱۱۲	-۰/۰۰۱
اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۹۷۴
غیررسمی	n = ۶۹۱	n = ۶۹۱	n = ۶۶۷	n = ۶۹۵	n = ۶۷۹	n = ۶۸۷	n = ۶۹۸

این جدول نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی کلی افراد با میزان فعال‌گرایی، امید به آینده، اعتماد، دلبستگی اجتماعی و میزان تعهد اجتماعی رابطه مستقیم معنادار بسیار بالایی دارد. بدین معنی که هرچه فعال بودن، امید به آینده، اعتماد اجتماعی، دلبستگی به جامعه، و تعهد اجتماعی افراد بیش تر بشود، مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) آنان افزایش می‌یابد. همان طور که در نظریه‌ها دیدیم، این ویژگیها سبب می‌شود افراد هم به جامعه خود و هم به هم‌نوعان خود حساسیت نشان دهند و در جهت بهبود وضع جامعه خود اقدامات ممکن را انجام دهند. بالاترین همبستگی بین «مشارکت اجتماعی کل» و «دلبستگی اجتماعی» دیده می‌شود که ۰/۳۸۲ است. یعنی کسانی که احساس تعلق و دلبستگی اجتماعی بالایی دارند،

حاضرند سرمایه‌گذاری بیش‌تری برای بهبود اوضاع جامعه خود کنند و موانع را رفع نمایند و هزینه آن را هم پذیرا باشند. جالب توجه است که عام‌گرایی و خردورزی یا عقلانیت افراد، رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی کل نشان نمی‌دهد. شاید به نظر برسد که این امر ناشی از غلبه مشارکت اجتماعی غیررسمی بر رسمی باشد که بیش‌تر بر اساس مبانی عاطفی شکل می‌گیرد تا حساب عقلانی منافع شخصی و سود و زیان حاصل. اما با توجه به این که مشارکت اجتماعی غیررسمی با خردورزی رابطه معنی‌دار مثبتی دارد، این تفسیر نفی می‌شود. در هر حال این دو رابطه جای مطالعه و تأمل بیش‌تری دارند.

وقتی مشارکت اجتماعی کلی به دو نوع مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی تفکیک می‌شود، نکات جالب‌تری آشکار می‌گردد. نگاهی به وضعیت همبستگی مشارکت اجتماعی رسمی با ویژگی‌های شخصیتی نشان می‌دهد که تنها دل‌بستگی اجتماعی با مشارکت رسمی رابطه معنی‌دار بالایی دارد. شاید بتوان چنین گفت که هیچ کدام از ویژگی‌های شخصیتی نمی‌تواند موانع موجود در مشارکت اجتماعی رسمی را خنثی کند مگر احساس تعلق و دل‌بستگی اجتماعی افراد، که سبب می‌شود به رغم شرایط نامساعد، بازهم دست از مشارکت اجتماعی برندارند. از آن طرف، مشارکت اجتماعی غیررسمی با همه مؤلفه‌های شخصیتی به جز عام‌گرایی، رابطه معناداری نشان می‌دهد. این مقایسه‌ها نشان می‌دهد که در جامعه آماری ما آن چه اصل و پذیرفته شده است، مشارکت اجتماعی غیررسمی است که با اکثر ویژگی‌های شخصیتی، خاصه آن‌ها که بعد احساسی-دینی دارند همبستگی بالایی دارد. این از خصوصیات بارز یک جامعه مذهبی و سنتی می‌تواند باشد که هنوز بر گرایش‌ها و طرز تفکر و ارزش‌های جامعه ما غالب است. به عبارت دیگر، این‌ها همه نشان می‌دهد که در حال حاضر اصل بر مشارکت غیررسمی است که نهادمند است، و مشارکت رسمی هنوز جای پای محکمی در جامعه باز نکرده و نهادمند نشده، یا به علت وجود موانع زیاد، مردم از آن دوری می‌گزینند. در هر صورت، براساس این بررسی نمی‌توان فرضیه اول را رد کرد، بلکه پنج فرضیه از هفت

فرضیه فرعی این فرضیه اصلی درباره رابطه ویژگی‌های شخصیتی با مشارکت اجتماعی کلی تأیید می‌گردد.

جالب توجه است که در مقابل احساس تعلق و دلبستگی اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی قرار می‌گیرد. که فرد را نسبت به جامعه خود و آن چه در آن می‌گذرد بی تفاوت و منفعل می‌کند. و رابطه منفی معناداری با مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد (یزدان پناه، ۱۳۸۲: ۳۳۳-۳۳۲).

فرضیه دوم: این فرضیه درباره رابطه مستقیم تحصیلات فرد و پدرش با مشارکت اجتماعی او بود که با محاسبه ضرایب همبستگی مورد آزمون قرار گرفت. جدول شماره ۶ نتیجه این بررسی را نشان می‌دهد. لازم به توضیح است که چون مشارکت اجتماعی کل برای کسانی که هم مشارکت رسمی و هم مشارکت غیررسمی داشتند محاسبه شده است، حجم نمونه به حدود ۳۶۰ نفر کاهش یافته است.

جدول شماره ۶- ضرایب همبستگی پیرسون بین میزان مشارکت اجتماعی و تحصیلات

سال‌های تحصیل پدر	سال‌های تحصیل پاسخگو	مشارکت
۰/۱۳۴ ۰/۰۱ n = ۳۷۰	۰/۱۱۶ ۰/۰۲۴ n = ۳۵۴	مشارکت اجتماعی کل
۰/۲۱۶ ۰/۰۰۰ n = ۳۷۶	۰/۱۲۹ ۰/۰۱ n = ۳۶۰	مشارکت اجتماعی رسمی
۰/۱۱۶ ۰/۰۰۲ n = ۷۰۳	۰/۰۵۶ ۰/۱۴۲ n = ۶۷۹	مشارکت اجتماعی غیررسمی

این جدول نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی کلی افراد رابطه معناداری با میزان تحصیلات رسمی فرد و پدرش دارد، هر چند که شدت همبستگی بالا نباشد. لذا این فرضیه نیز تأیید می‌شود. اما همان طور که انتظار می‌رفت، همبستگی تحصیلات پاسخگویان و پدرشان با مشارکت اجتماعی رسمی بیش‌تر و معنادارتر از همبستگی آن با مشارکت غیررسمی است. چرا که تحصیلات رسمی بالاتر فرد را از وضعیت سنتی دور می‌کند و به مدرنیته نزدیک می‌سازد که با مشارکت رسمی هماهنگ‌تر است. در واقع، با قرار گرفتن در معرض آموزش رسمی، و نیز محیط رسمی و ساختارمند و غیر شخصی آموزش، افراد یک سری اصول، ارزش‌ها و هنجارهایی را دریافت و درونی می‌کنند که آنان را برای فعالیت‌های رسمی اجتماعی آماده‌تر می‌کنند. از طرفی آموزش رسمی فرصت فراگیری مهارت‌های اجتماعی و جمعی را برای افراد فراهم می‌کند که برای مشارکت اجتماعی، خاصه رسمی آن، ضرورت اساسی دارد. بدیهی است اکثر افراد بی‌سواد و کم‌سواد نه آگاهی و نه مهارت لازم را برای مشارکت اجتماعی رسمی می‌توانند کسب کنند.

بررسی اثر استفاده از رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از کانال‌های آموزش غیررسمی بر مشارکت اجتماعی نیز می‌تواند جالب باشد. این بررسی نشان داد که استفاده از رسانه‌های رادیو، تلویزیون، مطبوعات، هیچ یک رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی کل و رسمی ندارد. تنها استفاده از رادیو با مشارکت اجتماعی غیررسمی ارتباط معنی‌داری نشان داد (یزدان پناه، ۱۳۸۲: ۳۴۱).

فرضیه سوم: فرضیه سوم اثر ارزش‌های اجتماعی پاسخگویان را بر مشارکت اجتماعی بررسی می‌کند. بر اساس این فرضیه هرچه افراد ارزش مشارکت اجتماعی و سایر ارزش‌های اجتماعی را بیش‌تر درونی و قبول کرده باشند، مشارکت اجتماعی بیش‌تری خواهند داشت. چرا که قبول ارزش‌های اجتماعی ایجاد تعهد و دلبستگی نسبت به نظام اجتماعی کرده، افراد را تشویق به فعالیت جهت بهبود امور جامعه و امور هم‌نوعان خود می‌کند. جدول شماره ۷ اثر

ارزش مشارکت اجتماعی را بر میزان مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد:

جدول شماره ۷- رابطه ارزش مشارکت با میزان مشارکت اجتماعی

نوع مشارکت اجتماعی	d سامرز	سطح معناداری	Tb کندال	سطح معناداری
		سامرز	کندال	کندال
مشارکت اجتماعی کلی	۰/۱۷۳	۰/۰۰۰	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی رسمی	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی غیررسمی	۰/۱۹۲	۰/۰۰۰	۰/۲۱۹	۰/۰۰۰

همان طور که انتظار می‌رود، جدول فوق نشان می‌دهد که رابطه معنادار خوبی بین باور ذهنی به ارزش اجتماعی مشارکت و عمل مشارکت اجتماعی وجود دارد. با اطمینان قریب به یقین می‌توان گفت کسانی که اهمیت بالایی به ارزش مشارکت اجتماعی می‌دهند میزان مشارکت اجتماعی بالایی نیز دارند و بر عکس. جالب توجه است که اثر این ارزش هم در کل مشارکت اجتماعی و هم در هر دو نوع مشارکت رسمی و غیررسمی معنادار است، ولی میزان همبستگی در مشارکت اجتماعی غیررسمی بالاتر است. بر اساس نظریه پارسونز در تحلیل کنش در سطح خرد، هر عملی که از کنشگر سر می‌زند، سه ویژگی عمده دارد که یکی از آن‌ها، ویژگی فرهنگی است. به طوری که می‌توان گفت هر کنش تحت تأثیر فرهنگ جامعه است. انسان به عنوان یک ارگانیسم در یک نظام فرهنگی متولد می‌شود و در برخورد با فرهنگ که مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، و هنجارها است، بخشی از باورها و ارزش‌ها و هنجارهای نظام فرهنگی را می‌پذیرد و درونی می‌کند و جزئی از شخصیت وی می‌شود و رفتار او را شکل می‌دهد. در عین حال، قوی نبودن سطح همبستگی نشان می‌دهد که فاصله قابل توجهی بین ارزش‌ها و رفتار افراد وجود دارد که می‌تواند ناشی از موانع مشارکت اجتماعی و سایر عوامل

عینی و ذهنی باشد.

علاوه بر ارزش مشارکت اجتماعی، رابطه بین ارزش‌های مادی و فرامادی نیز با میزان مشارکت اجتماعی بررسی شد. جدول شماره ۸ خلاصه نتیجه این بررسی را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۸ - رابطه ارزش‌های مادی و فرامادی با میزان مشارکت اجتماعی

ارزش‌های مادی	ارزش‌های فرامادی	نوع مشارکت اجتماعی
۰/۰۶۱ ۰/۲۰۹ n= ۳۶۷	۰/۱۸۶ ۰/۰۰۰ n= ۳۶۷	مشارکت اجتماعی کلی
۰/۰۲۰ ۰/۶۸۵ n= ۳۷۳	۰/۱۰۷ ۰/۰۰۵ n= ۳۷۳	مشارکت اجتماعی رسمی
۰/۰۰۲ ۰/۹۵۲ n= ۶۹۷	۰/۱۹۹ ۰/۰۰۰ n= ۶۹۸	مشارکت اجتماعی غیررسمی

این جدول نشان می‌دهد که ارزش‌های فرامادی با هر دو نوع مشارکت اجتماعی رابطه معناداری دارد، به طوری که می‌توان گفت کسانی که به ارزش‌های فرامادی اهمیت زیادی می‌دهند بیش تر دست به مشارکت اجتماعی می‌زنند. اما ارزش‌های مادی ارتباط معناداری با مشارکت اجتماعی ندارند. چرا این گونه است؟ به نظر می‌رسد این یافته نیز با مبانی نظری پارسونزی مطابقت داشته باشد. در اولویت‌بندی ارزش‌ها پارسونز در ابتدا به دانش و آگاهی (متناسب با نظام فرهنگی) بها داده است. در مرتبه بعد، کسب منزلت، سپس قدرت و رتبه

چهارم را به اقتصاد (پول) می‌دهد. همانند مازلو، پارسونز معتقد است در ابتدا باید نیازهای اقتصادی برطرف شوند تا فرد دنبال هدف‌های بالاتر (اهداف فرهنگی) برود. زیرا نیازهای زیستی قدرت انگیزشی بیش‌تری دارند. تا زمانی که آن‌ها تا حد مطلوب ارضا نشوند، بروز و ظهور نیازهای دیگر به تأخیر می‌افتد. یعنی تا زمانی که نیازهای مادی افراد تأمین نشده باشد (که نتیجتاً ارزش‌های مادی برای آنان مهم‌تر است) کم‌تر به سمت اهداف متعالی‌تر (از جمله مشارکت‌جویی در فعالیت‌های اجتماعی غیرانتفاعی) می‌روند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: فصل دوم).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

انسان‌ها به دو طریق با جامعه رابطه برقرار می‌کنند. یکی از طریق ایجاد ارتباط غیررسمی با سایر کنشگران و دیگری از طریق عضویت رسمی در گروه‌ها. به این ترتیب، دو فرصت مذکور به فرد اجازه می‌دهد تا بیش‌تر به جامعه وصل شود و مشارکت خود را در جامعه و در امور اجتماعی افزایش دهد و بدین وسیله مانع از خودبستگی و بی‌قدرتی یعنی جدایی خود از جامعه شود. هدف این مقاله مطالعه اثر ویژگی‌های شخصیتی و فردی پاسخگویان بر میزان مشارکت آنان بود. برای این کار پس از نگاهی به زمینه تحقیق مشارکت اجتماعی در ایران، مبانی نظری مشارکت اجتماعی، شامل نظریات روان‌شناسی اجتماعی و نظریه کارکردی پارسونز مورد بحث قرار گرفت و بر اساس آن‌ها سه فرضیه اصلی مطرح گردید. سپس روش تحقیق توضیح داده شد. سرانجام به توضیح یافته‌های توصیفی و تبیینی پژوهش پرداختیم. در این تحقیق از یک نمونه تصادفی حدود ۸۲۰ نفری در شهر تهران داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های این تحقیق، نشان داد که میانگین تمایل شهروندان تهرانی به مشارکت اجتماعی در کل ۱/۹ از ۴ است. اما تمایل آنان به مشارکت غیررسمی خیلی بیش‌تر از مشارکت رسمی

است. بر همین اساس است که مشارکت اجتماعی در بین شهروندان تهرانی، بیش‌تر غیررسمی است تا رسمی. این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که ما هنوز در ابتدای راه جذب افراد در گروه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه رسمی یا نهادهای جامعه مدنی هستیم. در حالی که مشارکت داوطلبانه هدفمند در گروه‌های رسمی غیردولتی به فرد امکان می‌دهد که هم دامنه نفوذ خود را در جامعه گسترش دهد، هم تعهدات خود را ورای اجتماعات غیررسمی در جامعه بهتر ایفا کند. علاوه بر این، بررسی نشان داد که افراد جامعه آماری احساس وجود موانعی جدی در راه مشارکت اجتماعی خود دارند، که باید برای رفع آن‌ها اقدامات لازم انجام شود.

نتایج به دست آمده از میزان آگاهی پاسخگویان مورد بررسی نشان می‌دهد که نزدیک به دوسوم افراد مورد بررسی اصلاً سازمان‌های غیردولتی را نمی‌شناسند و تنها ده درصد پاسخگویان از وجود این نهادها در مناطق و محلات خود آگاهی دارند. جالب توجه است که حتی در میان افراد مشارکت‌جو بیش‌ترین درصد اعضا، عضو انجمن اولیا و مربیان و بعد از آن، تعاونی‌های محلی و خانوادگی هستند که به ضرورت حضور فرزندشان در مدرسه یا ضرورت‌های اقتصادی حاصل می‌شود.

از یافته‌های تبیینی این مقاله می‌توان به نتایج بررسی فرضیه اول اشاره کرد. مشخص شد که ویژگی‌های شخصیتی داشتن اعتماد اجتماعی، دلبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی، فعال‌گرایی و امید به آینده اثر مثبت معناداری بر مشارکت اجتماعی دارند. افزایش چنین ویژگی‌های شخصیتی برای بالا بردن مشارکت اجتماعی نیز در کوتاه مدت امکان ندارد. اما با برنامه‌ریزی‌های بلند و میان‌مدت در محتوای برنامه‌ها و کتب آموزشی ابتدایی و متوسطه، نیز از طریق رسانه‌های جمعی می‌توان این نوع ویژگی‌ها را در مردم تقویت و آن‌ها را وارد جریان اجتماعی شدن نسل جدید کرد؛ تا در بلندمدت افرادی مشارکت‌جو با اعتماد به نفس بالا تربیت شوند و در محیط اجتماعی خود اثرگذار گردند. عملکرد مناسب نظام و مسئولان سیاسی نیز در افزایش میزان اعتماد اجتماعی و دلبستگی اجتماعی آنان می‌تواند اثرگذار باشد.

که امروزه از سرمایه‌های اجتماعی مهم هر جامعه محسوب می‌شوند.

فرضیه بعدی نشان داد که هرچه سطح آموزش رسمی فرد و پدر خانواده بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی وی افزایش می‌یابد. خوشبختانه سطح سواد عمومی جامعه ما در حال افزایش چشمگیری است، که خود می‌تواند در بلندمدت زمینه‌ساز رشد مشارکت اجتماعی باشد. علاوه بر اثر کلی تحصیلات رسمی در مشارکت، برای بالا بردن توان و آگاهی افراد جهت شرکت در فعالیت‌های جمعی می‌توان اقدامات مؤثری در سه زمینه زیر از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی انجام داد. اولاً، می‌توان مباحث مربوط به مشارکت و نقش و تعهد اجتماعی افراد را در برنامه‌های درسی گنجانده و با انجام دادن تمرینات لازم، تمایل به مشارکت را در دانش‌آموزان به وجود آورد. ثانیاً، از طریق برنامه‌های متنوع کمک‌آموزشی، مانند تهیه روزنامه دیواری، نمایش فیلم، تولید سریال، تئاتر، برگزاری میزگرد، تولید میان‌پرده‌های مناسب با روحیه مشارکت‌طلبی، تدوین جزوات اطلاع‌رساننده و حتی چاپ پوستره‌های مناسب و دیگر روش‌های تبلیغاتی، ترتیب دادن برنامه‌های مختلف برای جمع شدن افراد به دور هم، نظیر جشن‌های مذهبی، دوره‌های آموزشی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی مختلف برای دانش‌آموزان، اهمیت و حساسیت موضوع مشارکت را برای آنان روشن کرد و تمایل آنان را به مشارکت اجتماعی بالا برد. ثالثاً، مشارکتی کردن محیط آموزشی در سطوح مختلف و شرکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های مختلف مربوط به مدرسه، مانند شوراها، دانش‌آموزی، عملاً مشارکت اجتماعی را در آن‌ها درونی می‌کند، و توانمندی آنان را در عرصه‌های عمومی و همکارهای جمعی بالا می‌برد. چنین اقداماتی در نظام آموزشی می‌تواند زمینه‌ساز مؤثری برای بالا بردن مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی مردم در آینده باشد. در این صورت حتی کودکان، نوجوانان و جوانان می‌توانند مشوق بزرگسالان خود در فعالیت اجتماعی باشند.

بررسی آخرین فرضیه نشان داد که اعتقاد به ارزش مشارکت اجتماعی، رابطه مثبت و

معناداری با هر دو نوع مشارکت رسمی و غیررسمی دارد. ولی متأسفانه این مطالعه نشان می‌دهد که سطح ارزش مشارکت اجتماعی اکثریت مردم در سطح متوسط و پایین است. بنابراین باید اقدامات مؤثری در جهت بالا بردن سطح این ارزش در جامعه انجام داد. از آن‌جا که نحوه انتقال ارزش‌های اجتماعی از طریق دستگاه‌های اجتماعی و باز اجتماعی‌کننده، مانند خانواده، مدرسه و رسانه‌های جمعی است، باید به طرق مختلف مستقیم و غیرمستقیم اهمیت این ارزش را در وضعیت زندگی خود مردم و جامعه مطرح کرد. یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش ارزش مشارکت اجتماعی، شناسایی و نشان دادن اثرات مثبت مشارکت‌های اجتماعی مختلف در رسانه‌های جمعی است تا میزان اثربخشی این فعالیت‌ها در بین مردم افزایش یابد. همچنین افزایش فعالیت‌های مشارکتی در مدارس و مشارکتی تر کردن نهاد آموزش و پرورش می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

مطالعه سایر ارزش‌های اجتماعی نیز نشان داد که ارزش‌های فرامادی (معنوی) رابطه معنادار و مثبتی با مشارکت اجتماعی دارند. بالا بردن این ارزش‌ها در جامعه کاری نیست که به راحتی و با تصویب یک قانون عملی شود. تغییر ارزش‌های اجتماعی معمولاً تدریجی و در بلندمدت امکان‌پذیر است. آن چه باعث تأسف است این است که بعضی مطالعات نشان می‌دهند که ارزش‌های فرامادی در جامعه ما رو به کاهش دارند (مثلاً رفیع پور، ۱۳۷۶: ۱۵۹-۱۷۰)، در حالی که در یک جامعه مذهبی و اسلامی باید ارزش‌های معنوی جایگاه بسیار والایی داشته باشند. بدیهی است که این موضوع از علل متعددی ریشه می‌گیرد که نیاز به مطالعات وسیع و چاره‌اندیشی جدی دارد.

علاوه بر پیشنهادها بالا، افزایش میزان آگاهی مردم از وجود سازمان‌های رسمی و غیررسمی غیردولتی در جلب مشارکت اجتماعی مردم می‌تواند مؤثر باشد، چرا که این بررسی نشان داد که میزان این آگاهی‌ها در جامعه بسیار پایین است. بالا بردن میزان آگاهی عمومی افراد از وضعیت و مسائل جامعه و نقش‌آفرینی آنان برای رفع مشکلات نیز می‌تواند در تقویت همه

خصوصیات فوق اثرگذار باشد. زیرا آگاه ساختن مردم اساس مشارکت آن‌ها در یک کار دسته جمعی است: «آگاه نمودن برای ایجاد انگیزه، آگاه نمودن برای درک عمل، آگاه نمودن به منظور احترام و اعتنا به شخصیت افراد و ایجاد مسئولیت در آن‌ها» (نیک‌گهر، ۱۳۵۶: ۱۲۹) بسیار اثرگذار است.

باید این نکته را هم یاد آور شد، که هدف این مطالعه نشان دادن این نیست که تنها عوامل شخصیتی و فردی در وضعیت مشارکت اجتماعی مؤثرند، بلکه محدودیت این مقاله و تحقیق، ما را بر آن داشت که بر این نوع عوامل متمرکز شویم. باید تأکید کرد که عوامل ساختاری بسیاری، مانند ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر کم‌وکیف مشارکت اجتماعی مردم اثر می‌گذارند، که باید مورد توجه جدی قرار گیرند. از این میان می‌توان به ساختار مدیریت محلات و مناطق و شهرها اشاره کرد. اقدام جدی در سازمان دادن به محلات و مشارکت دادن اهالی محله و مناطق در امور مربوط هنوز مورد توجه قرار نگرفته است. در حالیکه این عمل می‌تواند در حفظ محیط زیست، جلوگیری از نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی و تقویت احساس دلبستگی اجتماعی بسیار اثرگذار باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که شهرداری و وزارت کشور در زمینه فعال کردن سازمان‌های محله‌ای برنامه‌ریزی کنند و اقدامات مؤثری به عمل آورند تا سبب بالارفتن مشارکت اجتماعی شهروندان و رفع مشکلات محلات و اثرگذاری افراد در محیط خودشان و دلبستگی مردم به محیط اجتماعی کوچک و محله‌ای‌شان شود. این خود می‌تواند سبب بالارفتن توانمندی‌های اجتماعی شهروندان و مشارکت اجتماعی آنان در سطوح بالاتر نیز بشود.

علاوه بر آن، ایجاد زمینه‌های مساعد جهت تأسیس تشکل‌های غیرسیاسی رسمی و غیررسمی در بین قشرهای مختلف مردم - زنان و مردان، جوانان و بزرگسالان، فرهنگیان و کارگران و غیره - و در سطوح مختلف جامعه از محلات گرفته تا سطح ملی، و در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، هنری، مذهبی و غیره می‌تواند مشارکت اجتماعی را افزایش دهد.

این کار در واقع وارد کردن نیروی عظیم مردمی به صحنه فعالیت و کارسازی اجتماعی است که دولت نه می‌تواند و نه باید در این عرصه‌ها وارد شود. چنین حرکتی هم سبب رشد و توسعه اجتماعی می‌شود، هم سبب رشد و کمال و خودشکوفایی انسان‌ها می‌گردد، و هم بهترین علاج مشکل از خودبیگانگی اجتماعی و فرهنگی و احساس بی‌قدرتی است. گسترش نهادهای غیردولتی و تقویت جامعه مدنی و فراهم نمودن شرایط مساعد برای جذب افراد نخبه و اثرگذار در این نهادها نیز دارای اهمیت فراوانی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به محدودیت انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه در حیطه‌های رسمی، به ترویج این انجمن‌ها و گروه‌ها و طراحی و اجرای طرح‌های مشارکتی اقدام گردد.

در خاتمه باید اضافه کرد چنان‌که از پیشنهادهای فوق برمی‌آید، برای افزایش مشارکت اجتماعی کارهای کوتاه مدت و مقطعی نمی‌تواند مؤثر باشد. این کار مستلزم برنامه‌ریزی و اقدامات میان‌مدت و بلندمدتی است که بتواند به طور مستقیم و غیرمستقیم در آینده هم بسترهای لازم رسمی و غیررسمی را برای مشارکت اجتماعی فراهم کند، هم فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی مربوط به مشارکت اجتماعی و اثرگذار در آن را در جامعه تقویت کند، و هم ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با مشارکت اجتماعی را در مردم ایجاد و تقویت کند، تا به تدریج سطح مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی در جامعه افزایش یابد. همچنین برای شناخت بهتر موانع مشارکت اجتماعی و اثر سرمایه فرهنگی در آن لازم است مطالعات وسیع‌تر و مشخص‌تری انجام پذیرد.

منابع

ازغندی، علیرضا. «جامعه مدنی و خلیقات ما ایرانیان» در مجموعه مقالات تحقیق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، صص

اسکیدمور، ویلیام. *نظریه‌های جامعه‌شناسی: تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه حاضری و دیگران، انتشارات تابان، ۱۳۷۲.

اینگلهارت، رونالد، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، ۱۳۷۳.

پناهی، محمد حسین. «زمینه‌های جامعه‌شناختی شکل‌گیری جامعه مدنی» در مجموعه مقالات *تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران*، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، صص ۱۸-۱، ۱۳۷۶.

پناهی، محمد حسین. «راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در عرصه فرهنگ»، در مجموعه مقالات *گردهمایی دولت و مشارکت مردمی*، تدوین محسن فردرو، جلد اول، نشر آن، ۱۳۸۱.

پیگولوسکایا. *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

توسلی، غلامعباس. *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
خوش‌فر، غلامرضا. «بررسی نقش خانواده در ارتقاء آگاهی دختران در مشارکت اجتماعی»، در مجموعه مقالات *سمینار تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکت‌های اجتماعی*، وزارت جهاد سازندگی و یونسف، ۱۳۷۶.

دفتر پژوهش‌های فرهنگی. *نقش و چگونگی عمل سازمان‌های غیردولتی (NGO)*، ۱۳۷۹.

رفیع پور، فرامرز. *توسعه و تضاد*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
رهنما، محمد هاشم. «موانع تاریخی مشارکت اجتماعی مردم ایران»، در مجموعه مقالات *گردهمایی دولت و مشارکت مردمی*، تدوین محسن فردرو، جلد اول، نشر آن. صص. ۱۰۶-۸۵، ۱۳۸۱.

- ریتزر، جورج. نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۹.
- صفاریان، محمد علی. نظام‌های آبیاری سنتی و تغییرات آن پس از اصلاحات ارضی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- طهماسبی، سوسن. «الگوهای مشارکت اجتماعی در ایران»، ترجمه مرجان ذکایی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵، ۱۳۸۰.
- علوی تبار، علیرضا. مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تجارب جهانی و ایران (جلد اول)، مرکز مطالعات در برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۹.
- فرهادی، مرتضی. فرهنگ یاریگری در ایران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- فرهادی، مرتضی. واره نوعی تعاون سنتی کهن و زنانه در ایران - درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، ۱۳۸۰.
- کائوتری، هوئین و دیگران. مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داود طبایی، انتشارات روش، ۱۳۷۹.
- کرایب، یان. نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، نشر آگه، ۱۳۷۸.
- کمپفر، انگلبرت. سفر کمپفر به ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۶۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا. بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، طرح تدوین نظام ترویج ایران، ۱۳۶۹.

محسنی تبریزی، علیرضا. «بیگانگی، مفهوم سازی و گروهبندی تئوریا در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی»، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۲، ۱۳۷۰.
مهدیزاده دهاقانی، ناصر. *تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران*، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۳.

نجمی، ناصر. *دارالخلافة تهران*، بی جا، ۱۳۵۰.
نیک‌گهر، عبدالحسین. «مشارکت، مفاهیم و شناخت انواع»، *مجله دانشکده*، نشر مرکزی دانشگاه تهران شماره پنجم، سال دوم، ۱۳۵۶.
هاشمی، فضل‌الله. «مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، *مجله آبادی*، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۷۲.

یزدان پناه، لیلا. بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی، رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۲.

- Dahl, Robert A. *Modern Political Analysis*, Fourth Edition, Prentice Hall, Inc., New Jersey, USA, 1984.

- Helly, Denise. *Voluntary and Social Participation by People of Immigrant Origin*, Second National Metropolis Conference, Immigrant and Civic Participation: Contemporary Policy and Research Issues, Montreal, November 1997.

- McCormack, Brown. *Theory of Reasoned Action*, From Internet, 1999.

Miller, Delbert. *Handbook of Research Design and Social Measurement*, 5th ed., Sage Publications, USA, 1991.

- Oakley, Peter. *Projects With People, the Practice of Participation in Rural Development*, Geneva, International Labour Office, 1991.

- Zeller, Richard A., and Edward G. Carmines. *Measurement in the Social Sciences*, Cambridge University Press, London and NewYork, 1980.